

انواع خداباوری و خداناباوری

علی موحدیان عطار

نوع نگرش و بینش ادیان و مکتب های فکری در باره خدا تنوع قابل ملاحظه ای دارد. توجه به این گوناگونی می تواند ما را در خودآگاهی نسبت به نگرش و بینش خود یاری کند. این نگرش ها و بینش ها در کل به دو بخش تقسیم می شود: خداباوری و ناخداباوری. در وهله بعد هرکدام از این دو نگرش به انواع و گونه های مختلفی ظاهر می گردد. در این نوشتار می کوشیم تا جای ممکن این تنوعات را آشکار کنیم.

(الف) انواع خداباوری

الف - ۱) خداباوری عقلی یا دئیزم (Deism): این نوع خداباوری مبتنی بر الهیات عقلی یا طبیعی است. دئیزم در اصل فقط اعتقاد به یک خدا بود و در برابر آتئیزم (Atheism = الحاد) و پلی تئیزم (Polytheism = شرک) قرار می گرفت، اما در نهایت به عنوان نظام الهیات عقلی (Rational Theology)، یعنی نظامی که در آن خدا را فقط برپایه عقل محض مورد بحث قرار می دهد، در مقابل الهیات نقلی (Revealed Theology) مطرح شد. در دئیزم خدا بیش از هر چیز، سازنده ای واردیه کار برای جهان هستی است. خاستگاه این نوع خداباوری در قرن هفدهم و پرورش آن در قرن هیجدهم بود. از برجستگان این مکتب ژان ژاک روسو و ولتر را می توان نام برد.

الف - ۲) تئیزم (Theism): اگرچه تئیزم به معنای «خداباوری» است، اما در اصطلاح این کلمه را درخصوص اعتقاد به خدای «شخصی» فاعل «مرید» به کار می برند. ویژگی این عقیده جمع بین ظهور و فعالیت خدا در هستی با تعالی و تنزه او از مخلوقات است، و به این لحاظ در برابر همه خدایی (Pantheism) قرار می گیرد که خدا را برابر با کل موجودات و عین آن می داند. این اصطلاح از طرفی در برابر دئیزم قرار می گیرد، که خدا را سازنده نخستین و خالق غیر فعال (بازنشسته) در امر مخلوقات می انگارد.

الف - ۳) هنوتئیزم (Henotheism): در برخی ادیان، اگرچه خدا را یگانه می دانند، اما برای بیان دیدگاه خود در باره جهان و تاریخ و یا برای دستیابی به خواسته های مادی و معنوی خود، به خدایان دیگری نیز توسل می جویند. این نوع نگرش در باره خدا، یعنی توجه به یک خدای واحد و در عین حال، پذیرفتن وجود خدایان دیگر در عقاید یا در اساطیر را هنوتئیزم می نامند.

الف - ۴) کتوتئیزم (Kathenotheism): این تعبیر به معنای پرستش نوبتی خدایان است، به این صورت که نام ها و شخصیت های متعددی را به عنوان خدا دارند، اما در هر زمان با یکی از آنها همچون تنها خدا معامله می کنند، است. در کتوتئیزم بر خدایی که فرد در موقع پرستش وجهه نظر خود قرار می دهد، تأکید بیشتری می شود، انگار که او و تنها او خدای ایشان است.

الف - ۵) مُنولتری (Monolatry): این اصطلاح به معنای پرستش یک خدا با تجویز وجود خدایان دیگر، یا مغفول گذاشتن آن (پرسش نکردن در باره آن) است.

الف - ۶) مونیزم (Monism): این در اصل یک اصطلاح هستی شناسانه و فلسفی است. اما گاهی آن را، سهواً یا عمدتاً، در حوزه الهیات به کار می برند. مونیزم (وحدت گرایی، یک انگاری) عبارت از جهان بینی ای است که معتقد است واقعیت تنها به یک نوع است و به عبارت دیگر، تنها یک واقعیت وجود دارد. مونیزم در برابر ثنویت فلسفی (Dualism) و چند گانه انگاری فلسفی (Pluralism) قرار می گیرد. اگر یک مونیست واقعیت یگانه را «روح» بداند او را ایدئالیست (Idealist)، و اگر «ماده» بینگارد او را متریالیست (Materialist) می نامند. اصطلاح مونیزم هسته ای (Neutral Monism) را نیز برای کسانی به کار می برند که ماده، معنا، و بدن، و ذهن را ابعاد و جنبه های یک چیز یا یک ماده می دانند. برخی انواع پانتئیزم (همه خدایی) آشکارا مونیزم است.

الف - ۷) مُنوتئیزم (Monotheism): توحید، یکتاپرستی یا اعتقاد به این که فقط و فقط یک وجود الوهی وجود دارد را با این نام می خوانند. این خداپاوری در تقابل با پلی تئیزم و هرگونه چندگانه انگاری الوهیت، همچون هنوتئیزم قرار می گیرد. تفاوت مُنوتئیزم با تئیزم در تأکید آن بر یکتایی خداست (به عبارت دیگر، تئیزم می تواند اعم از مُنوتئیزم باشد). گاهی اسلام و یهودیت را مُنوتئیزم مطلق، و مسیحیت را مُنوتئیزم مقید یا متعین می دانند.

الف - ۸) همه خدایی (Pantheism): همه خدایی یا اعتقاد به برابری خدا با کل هستی، نوع دیگری از خداپاوری است که بیشتر در ادیان و مکاتب عرفانی شرقی دیده می شود. بر پایه این نگرش، کل جهان مادی و معنوی، اعم از طبیعت، ارواح، صورت های ذهنی و هرچه در هستی می شناسیم، جزئی از خداست و خدا کلیت همه اینها می باشد.

الف - ۹) همه درخدایی (Panentheism): برخی مکاتب و ادیان در عین اعتقاد به وحدت خدا و جهان هستی، معتقدند که هستی جزئی از خداست، اما عین خدا نیست؛ زیرا خدا ساحتی متعالی تر هم دارد. این را همه درخدایی می نامند.

الف - ۱۰) یوهمریزم (Euhemerism): این اصطلاح بیانگر نظریه یوهروس (قرن چهارم ق.م) است، که بر اساس آن خدایان اسطوره ای چیزی جز امور فناپذیری که به خدایی رسانده شده اند نبوده، و کارهای آنها صرفاً بسط تصور در باره اعمال انسان است.

ب) انواع خدا ناپاوری

ناخداباوری یا Atheism، در کل به معنای عدم اعتقاد به وجود خدا یا خدایان است. اما، همان گونه که خداپاوری به یک گونه نیست، عدم پذیرش خدا نیز به یک صورت جلوه گر نشده است. انواع ناخداباوری را بر پایه یک حصر عقلی می توان دسته بندی کرد؛ به این صورت که یک ناخداباور در باره اعتقاد به خدا ممکن است به یکی از این سه گونه ببیند: 1. بگوید خطاست، 2. بگوید نامعقول است، 3. بگوید بی معناست. البته نوع دیگری از آنتئیزم نیز قابل تصور است - و حتی مصداق دارد - و آن این است که اندیشه خدا را نه خطا و نه بی معنا، بل بی فایده بداند و از این رو، در باره آن هیچ بحثی نکند. بودا گویا در باره خدا چنین باوری داشته است. اما روشن است که این را دقیقاً نمی توان ناخداباوری تلقی کرد.

بنابراین، آنتئیزم (Atheism) به سه گونه زیر بروز می کند:

ب - ۱) انکار: که عبارت از عقیده به خطا بودن خداباوری است؛

ب - ۲) شکاکیت (Skepticism): که به معنای عقیده به نامعقول بودن یا بی دلیل بودن خداباوری است؛

ب - ۳) لادریگری یا ندانم گویی (Agnosticism): که می تواند به صورت عقیده به بی معنا بودن خداباوری یا عدم توانایی بشر برای حل این گونه مسایل مطرح شود.

اما، علاوه بر این سه نگرش در باره عقیده به خدا، چند اصطلاح دیگر نیز در مباحث مربوط به دین و دینداری وجود دارد که بی ارتباط با موضوع این نوشتار، یعنی انواع خداباوری و ناخداباوری، نیست. در اینجا به سه مورد اشاره می کنیم:

۱) ارتداد (Heresy): این اصطلاح در کاربرد مسیحی، عبارت از عقیده مندی به چیزی است که مخالف عقاید رسمی و پذیرفته شده کلیسا باشد. اما اگر اصطلاح ارتداد را در حوزه اسلام به کار برند به معنای هر اظهار عقیده ای است که مستقیم یا غیر مستقیم (بالملازمه) به انکار خدا بینجامد، و این اظهار عقیده پس از اظهار ایمان اتفاق افتاده باشد.

۲) شیزم (Schism): در مسیحیت برای گرایش هایی که به طور حساب شده و بدون در غلطیدن به انحراف و خطای عقیدتی از سنت فاصله می گیرند، اصطلاح شیزم (Schism) به معنای «جدایی و انشعاب» را به کار می برند. این اصطلاح را می توان معادل «فرقه گرایی» در ادبیات مسلمانان دانست.

۳) بی دینی یا الحاد (Paganism): این اصطلاح بر نداشتن دین تکیه دارد.